



## دی‌دگاه

شماره: ۴۶۳	موضوع: الزامات و چالش های هدفمند تر کردن یارانه نقدی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۶/۰۹	

### تهیه و تنظیم: علی دینی ترکمانی

#### توضیح اجمالی:

پرداخت یارانه نقدی به تمامی گروههای درآمدی جامعه، ناسازگار با هدفمندسازی پرداخت های بلاعوض است. وقتی یارانه نقدی به همه افراد جامعه پرداخت می شود، هیچ تفاوتی با یارانه قیمتی از منظر دایره شمول وجود ندارد و بنابراین با اصل عدالت اجتماعی ناسازگار است. بنابراین، این پرداختها را باید به سوی گروه های آسیب پذی در برابر رهاسازی قیمت ها هدف گذاری کرد. گروه های درآمدی بالا و برخوردار از دارایی های ثابت مانند مستغلات و شغل های با درآمد بالا توانایی تطبیق با شرایط تورمی ناشی از رهاسازی قیمت ها و تعدیل درآمدهایشان به نحوی که قدرت خریدشان کاهش نیابد را دارند. گاه، ترکیب شرایط تورمی و برخورداری از دارایی های ثابت حتی موجب افزایش قدرت خرید واقعی این گروه ها می شود. بنابراین، عادلانه و منصفانه است که بودجه تخصیص یافته به پرداخت یارانه نقدی در اختیار گروه های آسیب پذیر قرار بگیرد. با ثابت گرفتن این بودجه، بدیهی است که با کاهش درصدی از گیرندگان یارانه نقدی می توان مبلغ بیشتری به افراد باقیمانده پرداخت کرد و مانع از کاهش قدرت خرید واقعی آنان شد. اگر نسبت کل جمعیت سه دهک بالایی به کل جمعیت شهری و روستایی را تقریباً ۲۰ درصد در نظر بگیریم در این صورت بر مبنای تقریباً ۷۳ میلیون گیرنده یارانه نقدی، انتظار می رود که ۱۴/۶ میلیون نفر از لیست گیرندگان یارانه حذف شود. در این صورت، در طول یکسال تقریباً ۷۹۰۰ میلیارد تومان از این محل صرفه جویی می شود که قابل پرداخت به گروه های آسیب پذیرتر است. اگر هم یارانه این گروهها افزایش پیدا نکند، این مبلغ می تواند به تقویت نظام تامین اجتماعی اختصاص پیدا کند و از این محل دسترسی این گروهها به بهداشت و درمان ارزانتر و با کیفیت تر را فراهم کند.

#### نکات کلیدی:

اما، هدفمندتر کردن یارانه نقدی چالش هایی نیز دارد، البته وقتی حذف سه دهک بالایی مد نظر است، با چالشهای نسبتاً کمتری مواجه هستیم. این چالشها مرتبط با بروز دو نوع خطای رایج در این هدفمندسازی است. خطای نوع اول و خطای نوع دوم. اولی، زمانی رخ می دهد که یارانه به افرادی پرداخت شود که مستحق دریافت آن نیستند. هر چه میزان این خطا بالا باشد به معنای افزایش دایره شمول پرداخت یارانه نقدی است. دومی زمانی رخ می دهد که یارانه به افرادی که باید پرداخت شود و مشمول دریافت هستند، پرداخت نمی شود. معمولاً برای کاهش ضریب خطای دوم، یارانه نقدی به سمت و سوی خطای نوع اول حرکت می کند. بنابراین در تجربه دو سال گذشته که یارانه نقدی پرداخت شده خطای نوع اول بسیار بالا و خطای نوع دوم بسیار پایین بوده است. اکنون با حرکت به سوی هدفمندتر کردن، خطای نوع اول کاهش و خطای نوع دوم افزایش خواهد یافت. یعنی، ممکن است افرادی باشند که باید مانند دهک ششم، یارانه بگیرند ولی به دلیل نارسایی های موجود در نظام اطلاعاتی حذف می شوند. هر چه پرداخت یارانه نقدی به سمت و سوی دهک های پایین حرکت کند، طبعاً احتمال خطای نوع دوم بیشتر می شود. این مشکل در گروه های درآمدی بالا از منظر فقر چندان جدی نیست ولیکن در مرز گروه های درآمدی دوم و سوم طبعاً می تواند مساله ساز باشد و شدت فقر برخی از حذف شدگان مستحق را بیشتر کند. چالش دیگر تامین بدون کسری بودجه یارانه نقدی و یارانه غیرنقدی است. در این میان دو گزینه وجود دارد: اول، افزایش مجدد قیمت حامل های انرژی و دوم استفاده از منابع صندوق توسعه ملی. به نظر می رسد که دولت با توجه به تلاشی که برای ایجاد گشایش در تامین معشیت مردم دارد، در ماههای باقیمانده سال جاری حتی المقدور دست به افزایش قیمتها نزند. بنابراین، احتمال اجرای گزینه دوم که اختصاص درآمدهای ارزی معطوف به هزینه های عمرانی به تامین هزینه های جاری است، بیشتر خواهد بود. اگر چنین جایگزینی بتواند در شرایط کنونی مانع از بروز شوک برهم زننده آرامش تقریباً بوجود آمده پس از انتخابات بشود، شاید به لحاظ اقتصادی این گزینه دارای توجیه باشد. بعد از تثبیت بازارها و بازگرداندن آرامش به اقتصاد، می توان در زمانی که لازم است، قیمت حامل های انرژی را با درصدی منطقی تعدیل کرد.

تأیید رئیس مؤسسه:

تأیید رئیس گروه مشاوران: